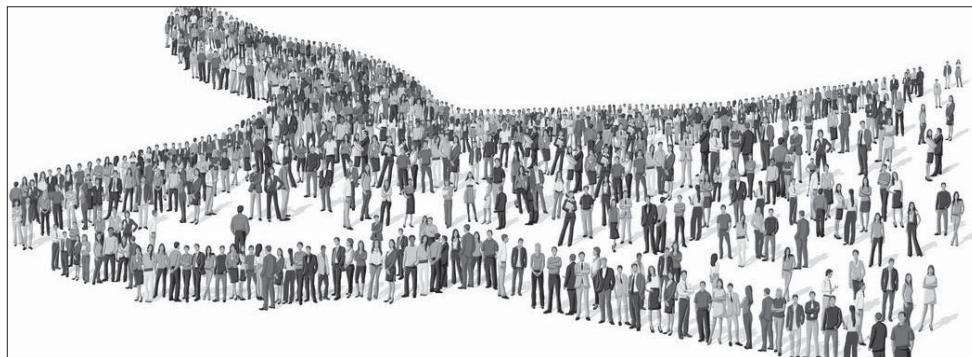


## واکاوی «چیستی» و «چگونگی» توسعه روستایی هشتاد پنجمی پنجم



حامد سجادی

کارشناس ارشد مطالعات فنی و ارتباطات



### مقدمه

مالکان و حفظ یکپارچگی اراضی)، شیوه کشت و صنعت (با تکیه بر تکنولوژی و باهدف افزایش بهره‌وری)، شیوه‌های سرمایه‌داری ارضی و تعاونی‌های تولید، تاکنون مورد استفاده فرارگرفته که هر یک با معایب و محاسنی روبرو بوده است. بر این اساس می‌توان طرح توسعه‌ی صندوق‌های خرد ریسک‌پذیر را راهبردی در ادامه مسیر توسعه روستایی تلقی نمود که در صدد رفع نواقص پیشین و تسهیل فرایند پیشرفت اقتصادی-اجتماعی در این مناطق است.

توسعه‌ی صندوق‌های خرد ریسک‌پذیر در جایگاه یکی از راهبردهای اصلی کارگوه توسعه روستایی و عشاپری در استراتژی کلان اقتصاد مقاومتی مطرح گردیده است که در ادامه ابتدا به بیان اهداف کلان و استراتژی‌های مطرح شده ذیل این سیاست؛ و پس از آن به بیان برخی از نکات تحلیلی در رابطه با آن پرداخته خواهد شد.

تقویت توسعه و پیشرفت همه‌جانبه و سیاست‌گذاری در این زمینه با تکیه بر توجه به ظرفیت‌های بالقوه موجود اجتماعی، همواره به عنوان یکی از راهبردهای توسعه اقتصادی مطرح بوده است که در این میان روستاهای یکی از مهم‌ترین کانون‌های توجه سیاست‌گذاران اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌روند، بخصوص آن که این فرایند توسعه به عنوان بخشی از راهبرد کلان اجتماعی-اقتصادی در قبال مسائلی نظیر مهاجرت از روستاهای به شهرها، حاشیه‌نشینی، کاهش نیروی تولید و غیره نیز مطرح می‌گردد.

بر این مبنای سابقه اجرای طرح‌های توسعه محور روستایی، در ایران به چندین دهه پیش بازمی‌گردد که مهم‌ترین آن در دهه ۴۰ شمسی و در قالب طرح اصلاحات ارضی و تلاش برای حذف ساختار ارباب-رعیتی رقم خورد. پس از اجرای این طرح، شیوه‌های بهره‌برداری دیگری نظیر بهره‌برداری مستقل خانوادگی، شرکت‌های سهامی زراعی (باهدف پر کردن خلا



نقشه نظر توجه این نوشتار بر ابعاد اعلامی سیاست و نه اعمالی آن است. در زمینه استراتژی های توسعه روستا معمولاً از سه نوع راهبرد یاد می شود که عبارت اند از:

استراتژی رادیکال؛ که هدف آن تغییر بنیادین و اساسی

در بنیان های اقتصادی-اجتماعی جامعه روستایی است و

عمدتاً رویکردی سوسیالیستی و دولت محور را به همراه دارد.

از مهم ترین اجرایکنندگان آن می توان به چین، الجزایر، کوبا و

ویتنام اشاره کرد.

استراتژی تکنوقرات؛ که با رویکرد افزایش تولید سامان می باید

و مخاطب اصلی آن نظام خصوصی، ثروتمندان و زمین داران

هستند. بربزیل، فیلیپین، اندونزی، بنگلادش و کره جنوبی از

اجرایکنندگان این استراتژی به شمار می روند.

استراتژی اصلاح طلب؛ که به تأکید بر توزیع مجدد درآمدها و

افزایش تولیدات و نه تغییر بنیادین در آن شکل می گیرد و شکل

اصلی راهبرد تولیدی مزارع خانوادگی و تعاقنی و مخاطب اصلی

اقشار متوسط جامعه روستایی و نواحی می باشد. این رویکرد

متنی بر ایدئولوژی ناسیونالیستی است و در کشورهایی نظیر

صری و مکزیک اجرایی شده است.

البته این نکته قابل ذکر است که تقسیم بندی مذکور به

معنای لزوم درج یک عنوان مشخص بر استراتژی خاصی

نظیر صندوق های خرد ریسک پذیر نیست و می توان با رویکرد

عمل گرایانه در یک راهبرد، ایده های مختلف را گرد هم آورد

چرا که این گونه تقسیم بندی ها اولاً پیش از بوده است و پس

از ارزیابی سیاست های توسعه مورد استخراج قرار گرفته است،

ثانیاً در دوره ای شکل گرفته است که جریان های نظری اقتصاد

اطلاعات و یا توجه به بسگاه های کوچک و متوسط به گستردگی

عصر حاضر نبود؛ اما در مجموع می توان سیاست مذکور را بیشتر

نزدیک به رویکرد اصلاح طلب دانست؛ زیرا مخاطب اصلی آن

طبقه متوسط و خلاق هستند و همچنین با توجه به طراحی آن

ذیل سیاست های اقتصادی مبتنی بر درون گرایی و بروون نگری

شکل گرفته است.

موضوع قابل ذکر دیگر در این راستا که به عنوان یکی از نقاط

قوت این راهبرد بشمار می رود تجمعی نقاط قوت پیشین در

مقام ساختاری است. به بیان دیگر در هر یک از فازهای سه گانه

این طرح در پی رفع بخشی از نیازهای اجرایی کسب و کارهای

کوچک و متوسط، اعم از تأمین مالی، تقویت فرایند توزیع و

فروش و بازاریابی محصول است.

## سیاست اجرایی توسعه صندوق های خرد روستایی

مهم ترین اهداف ذکر شده برای طرح مذکور در استاد بالادستی عبارت اند از:

- پسیج جامعه روستایی و سازمان دهی اهالی به منظور مشارکت در آبادانی روستا

- تقویت روحیه همکاری و افزایش انگیزه و امید در روستاییان

- استفاده از ظرفیت ها و پتانسیل های هر منطقه در جهت نیل به توسعه پایدار

- آموزش مشاغل روستایی به منظور افزایش بهره وری در تولید

- تشکیل گروه های همصنف به منظور هم افزایی

- ایجاد زنجیره تولید، بازاریابی و فروش

با این رویکرد اصلی، متولیان امر برنامه ریزی های لازم را برای راه اندازی ۵۷۱ صندوق خرد محلی در قالب ۸ زون اقتصادی، ۲۳

شهرستان، ۵۸ بخش، ۱۵ دهستان صورت داده اند که طی یک سال راه اندازی و به مدت ۲ سال توسط تسهیلگران آموزش دیده،

راه بری و حمایت شوند. این راهبران که شامل ۳۵ گروه تسهیلگر می باشند با همکاری دهیاری و بخشداری، مسئولیت راه اندازی

هر یک از صندوق های خرد را بر عهده دارند و به طور متوسط هر تسهیلگر ۱۶ صندوق را حمایت می کند (جدول شماره ۱).

پس از راه اندازی این صندوق ها در فاز اول، طبق استراتژی تعیین شده در فاز دوم اقدام به تأسیس بیش از ۷۰۰ شرکت

تعاونی در بخش ها و دهستان ها به منظور حمایت از محصولات تولیدی و تکمیل چرخه تولید، توزیع و بازاریابی محصولات

می گردد. درنهایت در فاز سوم این طرح نیز پس از عملیاتی شدن ۵۷۱ صندوق و عملکرد آن ها، الگوی تعمیمی از بعد ترویجی و

تبیینی فراهم خواهد شد تا بتوان از این مسیر الگوی مذکور در تمامی جامعه روستانی - که شامل ۲۴۸۶ روستا می باشد - فرگیر کرد. نکته دیگر قابل ذکر آن است که در حال حاضر و طبق

گزارش نهادهای مربوطه حدود ۱۰۰ صندوق در شهرستان های ریگان، قلعه گنج، کرمان (بخش شهداد)، روذبار جنوب، توسط

برنامه پیشرفت و توسعه مل متحدد، بنیاد مستضعفان و منابع طبیعی فعال هستند که این تعداد بدون احتساب ۵۷۱ صندوق برنامه ریزی شده می باشد.

## ماهیت راهبردهای قابل به کارگیری در توسعه صندوق های خرد

از آنجاکه این راهبرد سیاستی در مرحله اجرا می باشد بنابراین نمی توان به طور دقیق به ارزیابی اجرایی آن توجه نمود، در نتیجه

جدول شماره ۱: تعداد روستاهای هدف در شهرستان‌ها جهت راهاندازی صندوق‌های خرد رسک‌پذیر روستایی

نام شهرستان	تعداد دهستان	تعداد روستاهای بالای ۲۰ خانوار	تعداد روستاهای هدف
رودبار جنوب	۴	۱۵۲	۱۶
فاریاب	۴	۹۳	۱۶
قلعه گنج	۵	۱۴۴	۰
کهنوج	۵	۸۶	۲۰
منوچان	۵	۹۶	۲۰
جیرفت	۱۴	۳۶۴	۵۶
عنبرآباد	۷	۱۰۶	۲۸
بم	۴	۱۲۴	۱۶
ریگان	۴	۱۲۳	۱۶
فهرج	۴	۹۰	۱۶
نرماشیر	۴	۷۳	۱۶
از روئیه	۵	۹۲	۲۰
بافت	۶	۱۱۵	۲۴
رابر	۴	۷۰	۱۶
راور	۳	۵۴	۱۲
زرند	۱۱	۷۹	۳۵
کوهبنان	۳	۱۴	۱۲
انار	۲	۱۹	۸
رفسنجان	۱۴	۱۴۵	۵۶
شهریابک	۹	۸۴	۳۶
بردسیر	۸	۷۳	۲۹
سیرجان	۱۰	۱۳۸	۴۰
کرمان	۱۶	۱۴۸	۶۳

نتیجه‌ای اثربخش‌تر از پیاده‌سازی ضعیف یک استراتژی قوی دارد. از سوی دیگر چگونگی اجرای راهبرد یکی از پیچیده‌ترین بخش‌های سیاست‌گذاری در حوزه توسعه روستایی در استان‌هایی نظیر کرمان به شمار می‌رود زیرا از تنوع فرهنگی بالایی در گستره جغرافیایی وسیع برخوردار است. توجه به سرمایه اجتماعی و تعاملات ارتباطی مبتنی بر آن در بستر بافت

نحوه اجرایی کردن راهبردهای توسعه صندوق‌های خرد روستایی از منظر جامعه‌شناختی علاوه بر توجه به راهبرد ذکر شده در مقام «چیستی»، می‌توان چگونگی اجرای این راهبرد را نیز مورد توجه قرار داد و حتی آن را مهم‌ترین قلمداد کرد چراکه اجرای مناسب یک راهبرد متوسط در سطح اجتماع و پذیرش آن از سوی مردم به مراتب



فرایند طراحی، اجرا و ارزیابی یک سیاست اقتصادی-اجتماعی است. درواقع طراحان خود را در مقام دنایی کل قرار داده و به تفاوت بافت فرهنگی روستا با راهبرد کلان تمامأ به چشم ناهمگونی اساسی نگریسته‌اند؛ بنابراین علاوه بر استخراج عناصری نظیر شناسنامه اقتصادی هر روستا، قبل و بعد از اجرای طرح، بهمنظور ارزیابی دقیق و بهموقع، می‌بایست مردم به عنوان رکن اصلی این فعالیت در جریان طرح قرار گیرند و خود نیز در ارائه راهکارهایی در سطح خرد بهمنظور رفع مشکلات و تقویت این اهداف سهیم شوند. از سوی دیگر در سطح کلان نیز می‌بایست راهبردی یکپارچه در زمینه ظرفیت بالقوه اقتصادی هر منطقه به عنوان یکی از گزینه‌های انتخابی در اختیار مردم قرار گیرد که در صورت تمایل ایشان اجرایی شود.

نکته دیگر در رابطه با پیشنهاد ظرفیت‌های اقتصادی آن است که نباید این فضاهای تولید صرفاً مکنی بر فرایند تولید و همچنین محدود جغرافیایی روستا باشد بلکه می‌توان با تعریف قطب‌های تولید مشخص، امکان فعالیت در عرصه‌های مختلف تولید، فرآوری و بسته‌بندی و ... را فراهم نمود که در این روند توجه به خلاصه صنایع موجود و صندوق‌های فعال (۱۰۰ صندوق سازمان ملل و بنیاد مستضعفان و منابع طبیعی) می‌توان روند بهره‌برداری را تسریع و امکان موقفیت بیشتر این واحدها را تضمین کند.

درنهایت باید به این نکته نیز توجه نمود که حجم بالای ایجاد این صندوق‌ها در گستره استان اگرچه مبتنی بر اصل عدالت اجتماعی است اما در کنار این نقطه قوت، می‌تواند آسیب‌هایی نظیر تقدم کمیت بر کیفیت اجرا و کم توجهی به فرایند ارزیابی و عدم استخراج الگوی بهینه در مدت زمان اندک و ترویج الگوی متوسط و بعضاً ناکارآمدی در برخی از بافت‌های فرهنگی-اجتماعی را به همراه داشته باشد.

#### منابع

[۱] Offe, Claus and Fuchs, Susanne (2002) A decline of Social Capital? The German Case, Published in Putnam, and Robert D (2002) Democracy in flux: The Evaluation of Social Capital in Contemporary Society, New York: Oxford University Press.

[۲] ازکیا، مصطفی و فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۷) بررسی سرمایه اجتماعی در انواع نظامهای بهره‌برداری از زمین و عوامل مؤثر بر تبدیل بهره‌برداری‌های دهقانی به تعاونی، در مجله علمی پژوهشی مطالعات جامعه‌شناسخی، تهران: دانشگاه تهران، صص ۷۷-۹۸.

[۳] پاتنم، رابت (۱۳۸۰) دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام.

فرهنگی هر روستا از مهمترین عناصر در موفقیت این‌گونه راهبردهای توسعه و پذیرش آن در میان مخاطبان خود است. مفهوم سرمایه اجتماعی را می‌توان به سه محور گرایش و تمایل رفتاری به اعتماد (در سطح خویشاوندی، روستایی و ...)، هنجارهای تمایل به کارگروهی و مشارکت تفکیک نمود [۱]. بر این مبنای با توجه به پژوهش متخصصان جامعه‌شناسی توسعه روستایی خصوصاً ازکیا، نه می‌توان جامعه روستایی ایران را سراسر فردگرای و ناوان در انجام کار جمعی دانست و نه آن‌که ایران را تماماً افراد جمع‌گرایی و دارای روحیه مشارکتی در تمامی ابعاد حیات اجتماعی به شمار آورد. بلکه مطالعات میدانی گستردگی در ایران بیانگر آن است که فردگرایی و خودگرایی فرهنگ روستایی را رد می‌کنند اما برای فعالیت جمع‌قائل به سطح خاصی از مشارکت در عرصه‌های مخصوصی از نظامهای اجتماعی هستند؛ به عنوان مثال تا سطح خانواده، قبیله و خویشاوند این تعامل جریان دارد اما به سهولت سطح فراتر از مشارکت را مقبول نمی‌پنارند [۲].

بر این اساس می‌بایست در فرایند اجرایی این طرح علاوه بر تسهیلگران و اعضای دهیاری و شورای روستا به عنوان راهبران سیاست در سطح روستاهای از دو بازوی هدایت‌گر و ترغیب‌کننده (مشخصاً شخصیت‌های دینی و روحانیون و معلمان) و نیز اعتبار بخش (شامل گروههای مرجع اجتماعی و یا قومیتی، مانند ریش‌سفیدان و بزرگان طوایف) در جهت تقویت سه رکن سرمایه اجتماعی راهبرد مذکور بهره برد تا بتوان بر این مبنای پذیرش و عملکرد صحیح این سیاست‌های اطمینان بیشتری بدست آورد. در فرایند اجرایی این طرح همچنین می‌توان از تجربه مثبت دهه‌ی ابتدایی انقلاب بهمنظور تقویت و ترویج سیاست‌های راهبردی طرح بهره برد. درواقع علاوه بر تمرکز بر نهادها و تکیه بر فعالیت‌های اداری و وظیفه محور، از ظرفیت‌های موجود در عرصه فعالیت‌های غیرانتفاعی و عام‌المنفعه نیز استفاده نمود که مهمترین این موارد اردوهای جهادی دانشجویان، سمنهای فعال در عرصه‌های اجتماعی-اقتصادی و خیریه‌ها هستند.

#### جمع‌بندی

در کنار توجه به چیستی و چگونگی اجرای این طرح برخی نکات را می‌توان به عنوان مسائل قابل ملاحظه و اثرگذار در فرایند اجرایی آن طرح نمود. شاید یکی از مهمترین اشکالات استراتژی‌های توسعه در ایران عدم توجه نظرات بدنی اجتماعی روستائیان و بی‌توجهی به رویکردهای پژوهشی مردم‌نگارانه در